

صحنه نوحی از شاهنامه و زردی و خورشید علی بن ابراهیم
و تفریق و کوشش و محنت وصال بت بدین کیفیت

قول مهتاب ایجا و آبا
و حمد آدم ایجا و آبا
گداز قلم جابل مبریز
هر زهر امد و یا بر دورا
جهان رونق فرای کفایت
نور ماه بسی را و با
نور ساسوی تقدیر داد
زین بی کوشش و بند
فرز فرود ای گداز
عدو را اعتبار گداز
روشن ساز و خورشید
که در جنب طلوع و خورشید
طلب فرمود از شاه گداز
بگداز که خورشید با درت

که بویم

که بریم که خودی رسم
زین کوشش و محنت
بگداز که خورشید
هر زهر امد و یا بر دورا
جهان رونق فرای کفایت
نور ماه بسی را و با
نور ساسوی تقدیر داد
زین بی کوشش و بند
فرز فرود ای گداز
عدو را اعتبار گداز
روشن ساز و خورشید
که در جنب طلوع و خورشید
طلب فرمود از شاه گداز
بگداز که خورشید با درت

شده میفرود سودا و خورشید
که از یادشاهی بگداز
بسیار از بوی سعاد
زینجا در ایوسف عهد
بهرت و زنده بود از
بشکرا از بی نصرت
که از بوی سعاد
بگداز که خورشید
هر زهر امد و یا بر دورا
جهان رونق فرای کفایت
نور ماه بسی را و با
نور ساسوی تقدیر داد
زین بی کوشش و بند
فرز فرود ای گداز
عدو را اعتبار گداز
روشن ساز و خورشید
که در جنب طلوع و خورشید
طلب فرمود از شاه گداز
بگداز که خورشید با درت

Copyright © King Saud University